

سازمان فضایی و گاهنگاری شهر ناتل با اتکاء به منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناسانه

عبدالرضا مهاجری نژاد

عضو هیأت علمی پژوهشگاه باستان‌شناسی

حسن کریمیان

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

سارا سقائی*

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه جیرفت

sara.saghaee@ujiroft.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴
(از ص ۲۴۵ تا ۲۵۹)

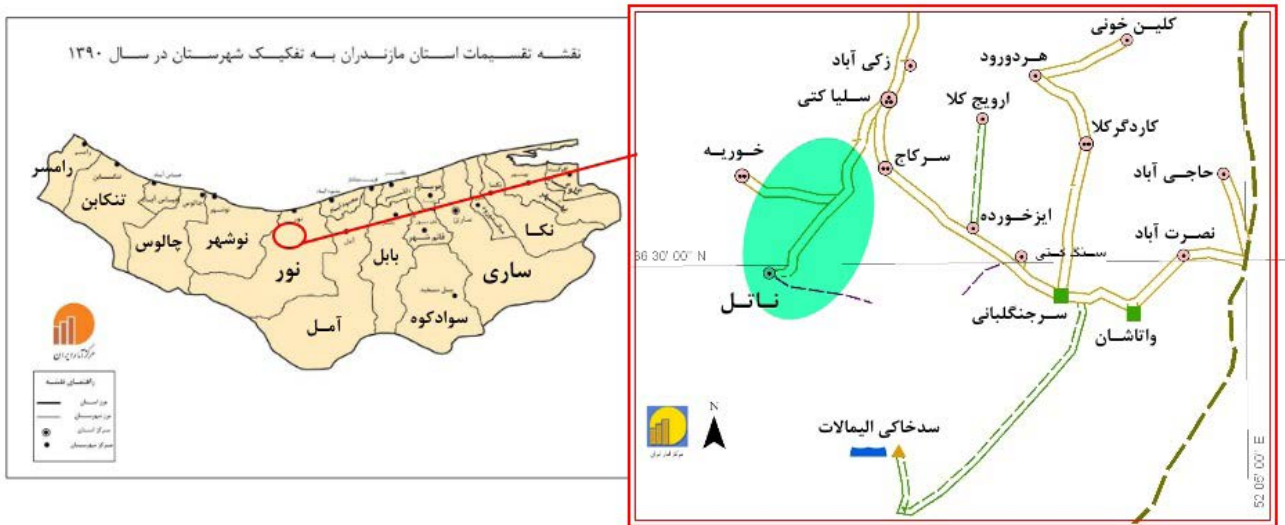
چکیده

شهر ناتل، یکی از شهرهای مشهور سده‌های اولیه‌ی اسلامی شمال رشته‌کوه البرز بوده که ویرانه‌های آن در میان جنگل‌های دهستان ناتل کنار (شهرستان نور) و در مجاورت روستایی با همین نام شناسایی شده است. با اتکاء به منابع تاریخی، این شهر در دوره‌ی عباسیان از بزرگترین شهرهای طبرستان محسوب می‌شد و دارای پادگان نظامی بوده است. اهمیت ناتل در نیمه‌ی دوم سده‌ی سوم هـ.ق. به حدی بوده که «حسن بن زید علوی»، در مسجد جامع آن، از مردم منطقه برای تشکیل حکومت شیعی‌ی زیدی بیعت گرفت. با توجه به نقش کلیدی این شهر در ایجاد ارتباط میان تمدن‌های شمال ایران، انجام مطالعات باستان‌شناسی در آن ضرورتی مضاعف می‌یابد. از آنجایی که ناتل کاملاً تخریب شده است، پرسش‌هایی درخصوص زمان حیات، فرم و عملکرد و تاریخ اضمحلال آن قابلیت طرح می‌یابد. در پژوهش حاضر، ضمن پاسخ به این پرسش‌ها، سازمان فضایی و الگوی استقرار شهر نیز بازایی شده است. بدین منظور، کلیه اطلاعات مرتبط با این شهر از منابع مکتوب استخراج شد تا در تطبیق با نتایج مطالعات باستان‌شناسی به‌روش توصیفی-تحلیلی مورد استفاده قرار گیرند. به‌منظور تعیین فرم و ساختار فضایی این شهر، مطالعات میدانی به‌وسیله‌ی نگارندگان انجام شد که از آن جمله می‌توان به دو فصل کاوش در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ و بررسی سطحی سیستماتیک در سال ۱۳۹۲ اشاره نمود. در نتیجه‌ی این مطالعات مشخص شد که اگرچه شهر دارای پلان هشت‌ضلعی نامنظم و متفاوت از شهرهای فلات مرکزی ایران بوده، اما در محله‌بندی آن از الگوی رایج شهرهای مرکزی ایران (ارگ، شارستان و ربض) تبعیت شده است. در طراحی شهر ناتل، از رودخانه‌ی «شیم‌رود» در تحکیم استحکامات دفاعی جنوب‌شرق آن بهره برده شده و با حفر خندقی به‌موازات سایر دیوارها، سیستم دفاعی آن کامل شده است؛ هم‌چنین، امنیت دیوارهای دفاعی ارگ حکومتی ناتل به‌وسیله خندقی جداگانه تأمین می‌شد.

کلیدواژگان: شهر اسلامی، شهرهای طبرستان، شهر ناتل، پادوسبانان.

مقدمه

در منابع جغرافیایی سده‌های اولیه‌ی ه.ق. از شهری به‌نام «ناتل» در حدفاصل شالس (چالوس) و آمل نام‌برده شده که امروزه جز ویرانه‌هایش، چیزی از آن باقی‌نمانده است (یوسفی، ۱۳۸۵: ۹۵). امروزه، ناتل، روستایی کوچک از دهستان «ناتل‌کنار» بخش مرکزی شهرستان نور است. این دهستان دارای هوایی معتدل و مرطوب است و آب آن از رودخانه‌ی ناتل فراهم می‌شود. «رایینو» در میان روستاهای دهستان ناتل‌کنار، نام روستای ناتل را نیز به‌صورت مجزا آورده است (رایینو، ۱۳۸۳: ۱۷۱)، (نقشه ۱).



▲ نقشه ۱. نقشه‌ی موقعیت و دسترسی محوطه‌ی ناتل (نگارندگان، ۱۳۹۴).

محوطه‌ی شهر اسلامی ناتل و روستای ۱۵ خانواری مجاور آن در دامنه‌ی قله‌ی ۲۰۰۰ متری «سوردار کوه» و در میان محوطه‌ی جنگلی محصور شده است. بقایای شهر کهن ناتل در $36^{\circ} 30' 37''$ عرض شمالی و $52^{\circ} 01' 15''$ طول شرقی و در ارتفاع ۸۸ متری از سطح دریای آزاد واقع و از شمال به روستای سلیاکتی، از جنوب به رودخانه‌ی شیم‌رود و منطقه‌ی سنگ‌بند، از شرق به جنگل سرکاج، و از غرب به روستای «خوریه» محدود است. ناتل، یکی از شهرهای مهم غرب طبرستان در سده‌های نخستین اسلامی تا دوره‌ی تیموری بوده است (مهاجری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۶؛ ظفری، ۱۳۷۹: ۱۸). در منابع مکتوب اسلامی از این شهر به‌عنوان یکی از مراکز حکمرانی والیان مسلمان و البته یکی از پایگاه‌های دولت علویان، از سده‌ی سوم ه.ق. نام‌برده شده است. باوجود ذکر نام این شهر در منابع تاریخی و جغرافیایی شمال ایران، پرسش‌هایی درخصوص زمان حیات، فرم و عملکرد اصلی آن، قابلیت طرح یافته است؛ به‌عبارت دیگر، در پژوهش حاضر، تلاش شد تا به این پرسش پاسخ داده شود که شهر ناتل در چه ادواری آباد بوده و استقرار آن در چه زمانی و به چه دلیل از بین رفته است؟ همچنین معلوم گرداند که این شهر از چه سازمان فضایی بهره برده و چیدمان محله‌های آن از چه الگویی تبعیت می‌نموده است؟ در این خصوص، فرض بر آن بود که شهر ناتل به سبب توسعه توسط حاکمان شیعی و همچنین موقعیت جغرافیایی ویژه‌اش، از فرم و ساختار فضایی متفاوتی نسبت به شهرهای فلات مرکزی ایران برخوردار بوده است. هدف آن بود تا ضمن گاهنگاری

شهر ناتل، سازمان فضایی و الگوی استقراری آن نیز بازیابی شود. بدین منظور، به روش توصیفی-تحلیلی، کلیه‌ی اطلاعات مکتوب مرتبط با این شهر در تطبیق با نتایج مطالعات باستان‌شناسی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

شهر اسلامی ناتل، نخستین بار در جلد سوم کتاب *از آستارا تا استارآباد* معرفی شد. «منوچهر ستوده» در این کتاب، مشاهدات خویش از ویرانه‌های این شهر کهن را به اختصار نگاشته است (ستوده، ۲۵۳۵، ج ۳: ۳۵۷). چنان‌که از معماری منازل و بناهای عام‌المنفعه روستای جدید ناتل و مصالح آن مشخص است، تقریباً تمامی مصالح آثاری که ستوده معرفی کرده بود، در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی ایران توسط ساکنان روستاهای اطراف مورد استفاده قرار گرفته است.

نخستین مطالعات علمی به‌منظور شناسایی و تعیین موقعیت شهر اسلامی ناتل، در سال ۱۳۸۵ توسط یکی از نگارندگان (عبدالرضا مهاجری‌نژاد) به مدت یک فصل بررسی به انجام رسید. در این بررسی، آثاری از سازه‌های آجری، جاده‌های سنگ‌فرش، خندق، آثار سیلاب و حجم وسیعی از سفال‌های دوره‌ی اسلامی و شواهد فراوانی از حفاری‌های غیرمجاز در مجاورت روستای ناتل شناسایی شد. پس از آن، این محوطه طی دو فصل (در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹) توسط هیأتی به سرپرستی مهاجری‌نژاد کاوش شد. بررسی دو نگارنده‌ی دیگر این مقاله که در بهار سال ۱۳۹۲ با هدف مطالعه‌ی کیفیت انتقال شهرهای طبرستان از ساسانی به اسلامی صورت پذیرفت را می‌توان سومین فعالیت علمی انجام شده در این محوطه فرهنگی محسوب داشت. از آنجایی که مطالعات پیشین در راستای بازنمایی ارگ و کاوش تأسیسات وابسته به آن بوده است، در این بررسی تلاش شد ضمن شناسایی محوطه‌ی خارج از حصار و خندق ارگ، به بازیابی فضاهای شهری از قبیل خانه‌های مسکونی، خیابان‌ها، محلات، تأسیسات آب، گورستان و حمام پرداخته شود.

شهر ناتل در منابع تاریخی

هرچند از ناتل در دوران پیش از اسلام آگاهی چندانی در دست نیست، اما منابع تاریخی و جغرافیایی سده‌های نخست اسلامی اطلاعات قابل استفاده‌ای از وضعیت این شهر ارائه می‌دهند. *الاعلاق النفیسه (ی)* «ابن‌رسته» (۱۳۶۵: ۱۷۶) و *البلدان* «ابن‌فقیه» (۱۳۴۹: ۱۴۷)، از کهن‌ترین منابعی هستند که در سده‌ی سوم هـ.ق. از این شهر نام برده‌اند. همانند بسیاری از شهرهای دوره‌ی ساسانی و صدراسلام ایران، دژی (پادگانی) در نزدیکی ناتل، به‌نام «دوک» یا «دون» قرار داشت که در آن ۵۰۰ سرباز آماده به فرماندهی «سعید بن میمون» حضور داشتند (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۷۸؛ لاهجی، ۱۳۵۲: ۹۵؛ یوسفی، ۱۳۸۵: ۹۳). این شهر در دوره‌ی عباسیان از بزرگترین شهرهای طبرستان بوده (بینایی، ۱۳۷۲: ۹۰) و نام آن همواره با نام مناطق چالوس و کلار در منابع جغرافیایی سده‌های اولیه‌ی اسلامی ثبت شده است (یوسفی، ۱۳۸۵: ۹۲). «اصطخری» (۳۴۰ هـ.ق.) با معرفی ناتل در زمره‌ی شهرهای طبرستان، در ذکر مسافتات امل تا دیلم، فاصله‌ی آن را از امل یک‌منازل و از چالوس، یک‌منازل سبک می‌نگارد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۱۶ و ۲۲۳). در تمام منابع بعد از اصطخری نیز ناتل شهری میان امل و چالوس معرفی شده که با هر یک از آن‌ها یک‌منازل فاصله داشته است (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۲۷؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۲؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۶ و ۱۴۹).

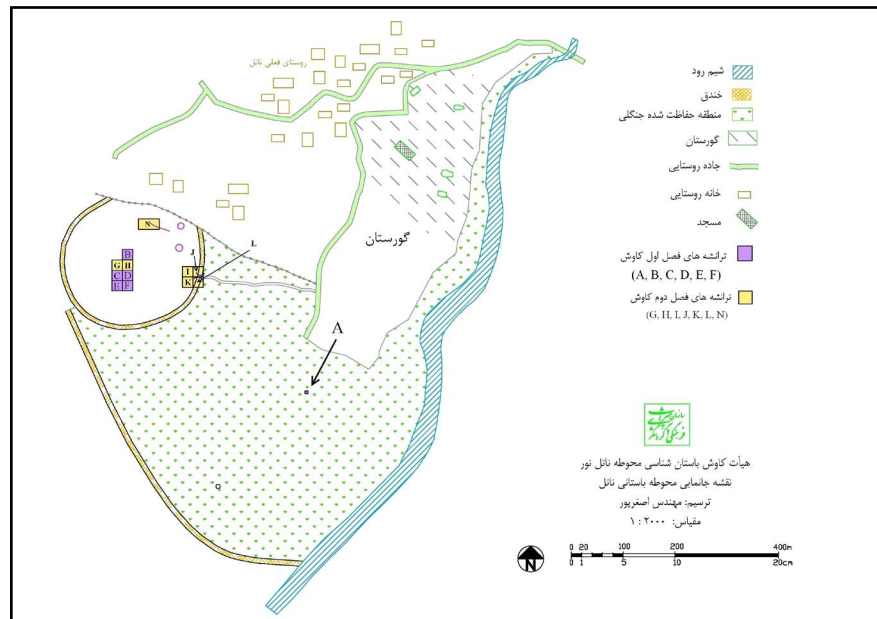
در معجم البلدان و مرآصد الاطلاع، ناتل یا «ناتله»، یکی از شهرهای بخش دشتی طبرستان است که بین آمل و چالوس و با فاصله‌ی پنج‌فرسخی از هر دو شهر قرار دارد (یاقوت حموی، ۱۳۲۳: ۷۳۹؛ بغدادی، ۱۹۵۴، جزء ثالث: ۱۳۴۷). در حدود العالم، ناتل، به همراه چالوس و کلار، از کوره‌ی رویان و جزوی از خاک طبرستان معرفی شده که پادشاه آن سرزمین، سوای از طبرستان بوده و به «استندار» شهرت داشته است (حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۹۸). تقریباً در تمام منابع مورد اشاره و تعدادی دیگر از متون تاریخی و جغرافیایی کهن، از ناتل به‌عنوان شهری آباد در منطقه‌ی سرسبز و پرحاصل و دارای علما و فضلا یاد شده است (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۵۰۱؛ دمشق، ۱۲۸۱: ۲۲۶). با استناد به منابع مذکور، در ادوار مختلف در این شهر قصرهایی بنا شد؛ به‌عنوان نمونه از قصر «حسام‌الدوله اردشیر» پسر «حسن» از ملوک الجبال «باوندی» (تاریخ جلوس ۵۶۷ هـ.ق.) می‌توان نام برد (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰، ج ۲: ۱۲۲).

در کتاب تاریخ رویان در شرح وقایع تاریخی و درگیری‌های شمال ایران، بارها به ناتل اشاره شده است (آملی، ۱۳۴۸: ۶۱، ۸۹، ۹۹، ۱۴۵). تعدد و تکرار نام این شهر در منابع سده‌های میانی اسلامی از افزایش اهمیت نقش سیاسی و نظامی آن در منطقه حکایت دارد؛ به‌گونه‌ای که در سال ۸۶۸ هـ.ق. «ظهیرالدین مرعشی» ناتل را مرکز دشت «رستمدر» معرفی کرده است (مرعشی، ۱۳۴۷: ۳۱۱). این شهر تا زمان تقسیم حکومت «پادوسبانات» به دو شاخه‌ی «پادوسبانات نور» و «پادوسبانات کجور» (۸۵۷ هـ.ق.)، مرکز دوم فرمانروایان این سلسله و پس از آن مرکز «پادوسبانات آل کاووس نور» بود (یوسفی، ۱۳۸۵: ۹۶). ظاهراً در زمان فرمانروایی مرعشیان بر طبرستان (۷۸۲ هـ.ق.) قریه‌ای نزدیک به شهر ناتل، به‌نام «واتاشان»^۱، به‌عنوان مقر حکومتی انتخاب شد و به‌دستور «سید فخرالدین» (حاکم رستمدر) یک چهارسوق بازار، قصر، خندق، دیوار، حمام و مسجد، در آن بنا شد. احتمالاً این مکان به همراه شهر ناتل، در زمان دو حمله‌ی تیمور و تا سال ۸۰۵ هـ.ق. ویران شد (ظفری، ۱۳۷۹: ۵۷ و ۵۸). با پایان حکومت پادوسبانات نور و کجور، در فاصله‌ی سال‌های ۱۰۰۳ تا ۱۰۰۶ هـ.ق.، در هیچ‌یک از منابع تاریخی، نامی از ناتل نیامده است. از آنجایی که شکوفایی ناتل، ارتباط مستقیمی با تاریخ حکومت پادوسبانات در منطقه داشت، به‌نظر می‌رسد پس از پایان حکومت آنان توسط شاه عباس صفوی، اعتبار و شهرت ناتل نیز از بین رفته باشد (همان: ۷۷ و ۱۱۲). شاید بتوان شکل‌گیری حکومت مرکزی مقتدر و تغییر معادلات سیاسی و نظامی و اجتماعی ایران عصر صفوی را از جمله دلایل متروک شدن این شهر در این زمان به‌شمار آورد.

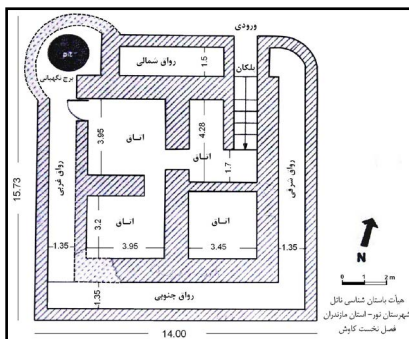
مطالعات باستان‌شناسی در شهر اسلامی ناتل

کاوش‌های باستان‌شناسی شهر اسلامی ناتل در دو فصل و در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ توسط عبدالرضا مهاجری‌نژاد انجام شد.^۲ از آنجایی که تشخیص فرم اصلی شهر می‌توانست در تعیین مکان کارگاه‌های حفاری مفید باشد، بررسی سطحی عرصه و حومه‌ی شهر و نقشه‌برداری از آن در اولویت کار قرار گرفت. آن‌گاه، محل کارگاه‌ها در داخل محدوده‌ی ارگ و نیز خارج از منطقه‌ی مرکزی تعیین و با انجام دو فصل کاوش، ۱۳ کارگاه حفر و اطلاعات ارزشمندی از فضاهای شهر ناتل به‌دست آمد (نقشه ۲). در فصل نخست، شش کارگاه به ابعاد ۱۰×۱۰ متر (A, B, C, D, E و F) روی دو

► نقشه ۲. جانمایی کارگاه‌های کاوش فصل‌های سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ در محوطه‌ی اسلامی ناتل (نگارندگان، ۱۳۹۴).



تپه‌ی همجوار و شاخص‌تر ایجاد شد. کارگاه A، خارج از منطقه‌ی مرکزی و در جهت جنوب‌شرق ارگ و جنوب گورستان روستای ناتل ایجاد شد. کارگاه‌های B, C, D, E و F نیز روی سازه‌ی مرکزی حفر و منجر به آشکارسازی عمارت حکومتی شدند. کل سازه‌ی خاکبرداری شده در چهار کارگاه A, B, C, D, E و F فضایی مستطیل به ابعاد ۱۴×۱۵/۷۳ متر بود که مشتمل بر چهار فضای اتاق مانند، پلکان، رواقی در چهار سمت و فضای مدور برج‌مانندی در گوشه‌ی شمال‌غربی است (نقشه ۳). دیوارهای سازه، دارای ساخت صندوقه‌ای است. به این ترتیب که دو بر دیوار با ردیف آجرچینی، تقریباً منظم ایجاد شده است و داخل آن را با قطعات آجری شکسته پُر کرده‌اند. برای ساخت این بنا، به‌روش معمول در مناطق مرطوب جنوب دریای مازندران و به‌منظور جلوگیری از نفوذ رطوبت، ابتدا صفا‌ی آجری ساخته شده که درون آن را با قطعات سنگ رودخانه‌ای و خاک پُر کرده‌اند. به این ترتیب فضاهای اصلی بنا، حدود یک متر بالاتر از سطح زمین و روی صفا شکل گرفته‌اند. درگاه ورودی بنا به عرض ۱۱۵ سانتی‌متر در ضلع شمالی قرار داشته که به‌وسیله‌ی پلکان آجری با پنج پله به بالای صفا راه داشته است. دیوار دو سوی پلکان، دارای اندود گچ قرمز و سفید بوده است. با توجه به‌وجود آوار سفال‌های بامپوش در ورودی عمارت، تردیدی نیست که پوشش سقف شیروانی بنا از سفال بوده است. رواق بنا به‌غیر از قسمت ورودی و فضای مدور گوشه‌ی شمال‌غربی، دور تا دور سازه را دربر می‌گیرد. ساخت رواق در اطراف بنا، امروزه نیز در خانه‌های روستایی منطقه به‌عنوان سنتی دیرینه رواج دارد (کریمیان، ۱۳۷۹: ۴۳۸-۴۵۸).



▲ نقشه ۳. سازه‌ی خاکبرداری شده در کاوش سال ۱۳۸۷ در محوطه‌ی ناتل (مهاجری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۵۰).

فصل دوم کاوش، به‌منظور آگاهی از ورودی ارگ ناتل، آغاز و در آن برج‌های نگهبانی، خندق، دیوار و جاده‌های سنگ‌فرش آشکار شد و در ادامه، احیاء خندق (برگرداندن آب رودخانه‌ی شیم‌رود به داخل آن) در دستور کار قرار گرفت. در این فصل هفت کارگاه (A, B, C, D, E, F, G, H, I, J, K, L, N) ایجاد شد (نقشه ۲). چهار کارگاه (I, J, K, L) در قسمت شرقی ارگ برای شناسایی ورودی و ساختار آن، دو کارگاه (H و G) در

شمال عمارت حکومتی و یک کارگاه (N) در شمال شرقی عمارت اصلی ایجاد شد. کارگاه اخیر، به آشکارسازی حدود ۳۰۰ مترمربع از مسیر سنگ‌فرش محوطه‌ی ارگ منجر شد. به این ترتیب، مشخص شد که در قسمت شمال شرقی ارگ، محدوده‌های خیابان‌سازی و سنگ‌فرش شده و حوض مدوری در آن ایجاد شده است. کارگاه‌های دروازه‌ی ورودی، آثار دو دوره‌ی معماری را نمایان ساخت. معماری دوره‌ی نخست که با مصالح مشابه عمارت ارگ و سازه‌ی شمالی آن ایجاد شده است. معماری دوره‌ی دوم و متأخرتر از ارگ، شامل: کف و دیوارهایی از نخاله ساختمانی (قطعات آجر، سنگ، سفال، بامپوش و ملات گچ) است که در برخی قسمت‌ها اندود گچ دارد. به‌منظور درک بهتر از محل کارگاه‌ها و یافته‌های معماری در شهر مورد مطالعه، جدول (۱) ارائه شده است.

به‌علاوه، در بهار سال ۱۳۹۲، بررسی سطحی به‌منظور یافتن شواهد استقرار بیرون از محوطه‌ی دیوار و خندق ارگ ناتل انجام شد. در این بررسی بدون نمونه‌برداری، شواهد باستان‌شناسی در محل مستندنگاری شدند و بقایای سطحی

جدول ۱. اطلاعات کارگاه‌ها و یافته‌های حاصل از دو فصل کاوش (۱۳۸۷ و ۱۳۸۹) محوطه‌ی ارگ شهر ناتل (نگارندگان، ۱۳۹۴). ▼

کارگاه	موقعیت کارگاه	ابعاد کارگاه	عمق کارگاه	یافته‌های کاوش		توضیحات
				آثار معماری	شواهد منقول	
A	۲۰۰ متری جنوب گورستان و ۱۰۰ متری جنوب شرقی ارگ	۳×۳	۱۲۰ cm	-	سفال، آجر، استخوان حیوانی، فلز	سفال بدون لعاب با خمیره قرمز و نارنجی
B	۱۰ متری شمال تپه اصلی داخل ارگ (عمارت)	۱۰×۱۰	۱۸۰ cm کف گچی	فضای مربع ۳۹۰×۳۹۰ cm دارای دیوار آجری با ملات ساروج و پی سنگی با ملات آهک و گل	جوش کوره، فلز قطعات پوشش گچی دیوار با نقش قرمز	ابعاد آجرها: ۲۰×۲۰×۴ - ۲۰×۱۰×۴ - ۲۰×۱۰×۲ cm
C	شمال غرب تپه اصلی داخل ارگ (عمارت)	۱۰×۱۰	۳۸۰ cm کف برج	بخشی از برج مدور با بیشترین قطر داخلی ۱۵۰ cm - آبراهه منتهی به برج - دیوار آجری با ملات ساروج و گل	قطعات مختلف سفال ساده و لعابدار، آجر، بامپوش، شیشه، استخوان، فلز	برج بدون چفت و بست آجری در کنار دیوار ساخته شده بود و احتمالاً در دوره‌ای بعنوان چاله زباله استفاده می‌شد.
D	شمال شرق تپه اصلی داخل ارگ (عمارت)	۱۰×۱۰	۳۷۰ cm کف ورودی پلکان	پلکان ورودی عمارت، دیوار و اتاق	بامپوش، مهره عقیق، فلز، سفال	از عمق ۲۰ تا ۳۰۰ cm تعداد زیادی سفال بامپوش در پلکان ورودی بدست آمد که نشان‌دهنده ریزش سقف سفالی عمارت است.
E	جنوب غرب تپه اصلی داخل ارگ (عمارت)	۱۰×۱۰	۲۳۵ cm زیر دیوار محیطی	دیوار، رواق، آبراه	بامپوش، آجر، قطعات سفال، فلز	سفال‌های لعابدار نخودی، نقش کنده، لعاب پاشیده
F	جنوب شرق تپه اصلی داخل ارگ (عمارت)	۱۰×۱۰	۴۱۰ cm زیر دیوار محیطی	دیوار، رواق، بخشی از پلکان ورودی عمارت	آجر، بامپوش، اندود سفید و قرمز، شی استخوانی، سفال، فلز	سفال لعابدار نخودی با نقش قهوه‌ای
G	شمال غرب عمارت و مماس با کارگاه C	۱۰×۱۰	۳۶۰ cm کف حیاط	بخشی از برج مدور گوشه شمال غرب عمارت، دیوار	آجر، جوش کوره، قطعات کاشی و سفال	مصالح آجر، سنگ، ملات ساروج، ملات گل و گچ
H	شمال شرق عمارت و مماس با کارگاه D	۱۰×۱۰	۳۶۰ cm کف حیاط	ورودی، دیوار، پلکان ورودی سازه کارگاه B	آجر، جوش کوره، فلز، سفال	
I	بخش شرقی ارگ و در محل دروازه ورودی آن	۱۰×۱۰	۱۵۰ cm کف سنگ و گچ	دیوار، اجاق	بامپوش، آجر، سنگ، سفال و کاشی، فلز	دیوار از سنگ رسوبی و ملات گل و گچ
J	بخش شرقی ارگ و در محل دروازه ورودی آن	۱۰×۱۰	۲۲۱ cm کف آجری	دیوار، اجاق	بامپوش، پیکان فلزی، کاشی، فلز، سفال	-
K	بخش شرقی ارگ و در محل دروازه ورودی آن	۱۰×۱۰	۲۳۰ cm کف گلی	دیوار، طاقچه، پی سنگی	بامپوش، آجر، فلز، استخوان	-
L	بخش شرقی ارگ و در محل دروازه ورودی آن	۱۰×۱۰	۳۳۰ cm کف آجری	دیوار	بامپوش، آجر، فلز، سفال	-
N	بخش شمال محدوده داخلی ارگ	۱۰×۵	۴۰ cm	مسیر سنگ‌فرش (عرض ۱۴۰ - ۸۰ cm) به طول ۸۰ متر دو سطح سنگ‌فرش به ابعاد ۲۵۰×۲۵۰ و ۴۳۰×۵۳۰ cm	میخ فلزی، جوش کوره، نعل اسب، کاشی لعابدار، سه‌پایه سفالی، مهره شیشه‌ای	کاوش در جهت گسترش مسیر سنگ‌فرش بصورت ارگانیک ادامه یافت. سنگ‌فرش از سنگ رسوبی رودخانه‌ای و ملات گل و ذرات گچ بود.

سازه‌های معماری و نیز محدوده و حریم محوطه‌ی ناتل با توجه به یافته‌های سطحی مورد توجه قرار گرفتند. از آنجایی که زمین‌های جنگلی بیرون از دیوار ارگ در سال‌های اخیر از سوی سازمان منابع طبیعی زیر کشت درختان جنگلی قرار گرفته، بخش‌هایی از شواهد معماری در سطح کنونی ظاهر شده‌اند. همچنین، به اظهار اهالی روستای امروزی ناتل، آثاری از سازه‌های معماری و فضاهایی با پوشش ساروج و تعدادی سکه در حین گودبرداری و ساختمان‌سازی‌های دهه‌های اخیر در محدوده‌ی روستا دیده شده است. این ساختوسازها در بخش شمالی ارگ و در زمین‌های روستا بوده است. بخش جنوبی و شرقی ارگ که در زمین‌های سازمان منابع طبیعی قرار دارد، زیر انبوهی از انباشت‌های طبیعی حاصل از طغیان رود و خاکبرگ‌های جنگلی پوشیده شده است. در این قسمت در فواصل مختلف و در زیر انباشت‌های طبیعی، برجستگی‌هایی وجود دارد که آثاری از آجر، بامپوش و قطعات سفالینه در آن‌ها به چشم می‌خورد. این آثار نشان از بقایای ساختمان‌هایی است که به احتمال بسیار زیاد متعلق به شهر اطراف ارگ بوده است. این بقایا در کنار آثاری که اهالی روستا در عمق زمین یافته‌اند، وجود آثار استقرار اطراف ارگ را تأیید می‌نماید.

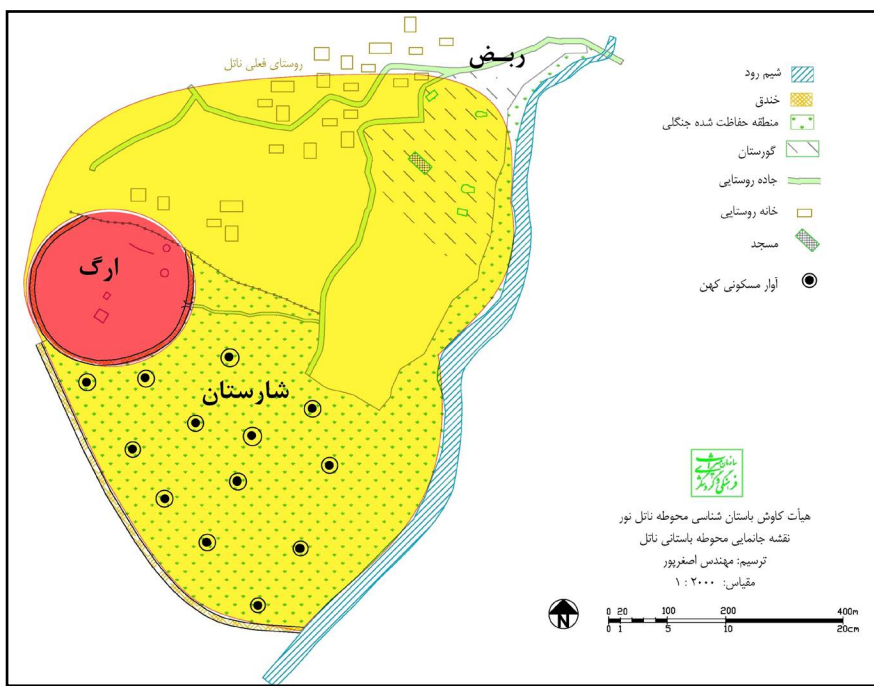
فرم و فضاهای شهری

بقایای دیوارهای دفاعی و آثار معماری آگاهی‌های ارزشمندی را درباره‌ی فرم فضایی شهر ناتل در اختیار قرار می‌دهند؛ همچنین، یافته‌های منقول از عرصه‌ی شهر در گاهنگاری و تعیین عملکرد فضاهای آن راهگشا خواهند بود. با توجه به سازه‌های سطحی به جای مانده و عکس‌های ماهواره‌ای، می‌توان پذیرفت که شهر اسلامی ناتل به هنگام رونق، حدود ۵۵ هکتار وسعت داشته است. تصاویر هوایی محوطه و نیز نتایج کاوش به‌خوبی فرم فضاهای شهری را قابل تشخیص ساخته است. تأسیسات دفاعی (دیوارها و خندق‌ها)، سازه‌های سنگی و آجری (نظیر عمارت ارگ مرکزی، دروازه شرقی ارگ و...)، شبکه‌های ارتباطی درون شهری و برون شهری، سیستم‌های آبرسانی، گورستان قدیمی و... (نقشه ۴)، همگی نشان از الگویی همسان با فضاهای سه‌بخشی شهرهای دیگر شمال رشته کوه‌های البرز و به‌ویژه شهر اسلامی کلار دارد.^۴

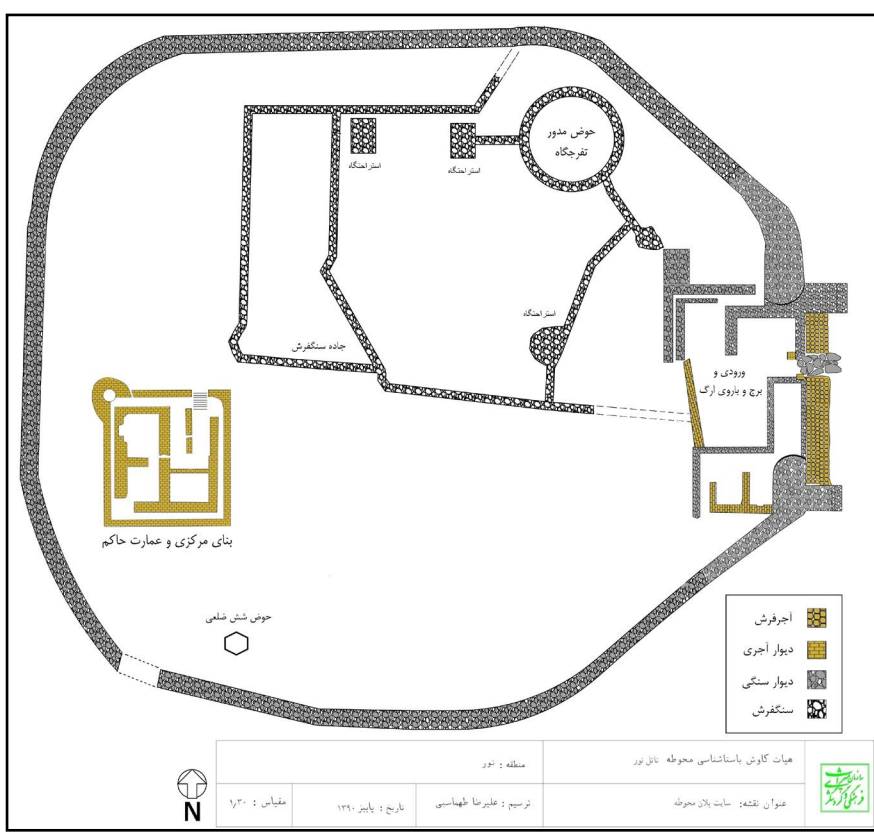
۱) ارگ حکومتی

ارگ شهر ناتل، فضایی است تقریباً مدور مشتمل بر دو ساختمان در بخش غربی، حوض مدور سنگی در بخش شمال شرقی، دروازه‌ی ورودی در شرق و فضاهای ارتباطی که به‌وسیله‌ی سنگ‌فرش ایجاد شده‌اند (نقشه ۵). در نتیجه‌ی کاوش‌ها، مشخص شد که حصار و خندقی اطراف محوطه‌ی حاکم‌نشین (ارگ) ناتل را محصور می‌کرده که امروزه حدود شش متر عرض دارد. دروازه‌ی ورودی ارگ در جانب شرقی آن تعبیه شده و در ورودی غیرمستقیم آن، چند اتاق تعبیه شده است که احتمالاً محل نگهبانی، استراحت و نگهداری تجهیزات بوده است.

داخل محوطه ارگ در بخش غربی، دو ساختار معماری روبه‌روی هم شناسایی و کاوش شدند. بنای بزرگتر که از سوی کاوشگر، عمارت حکومتی یا حاکم‌نشین

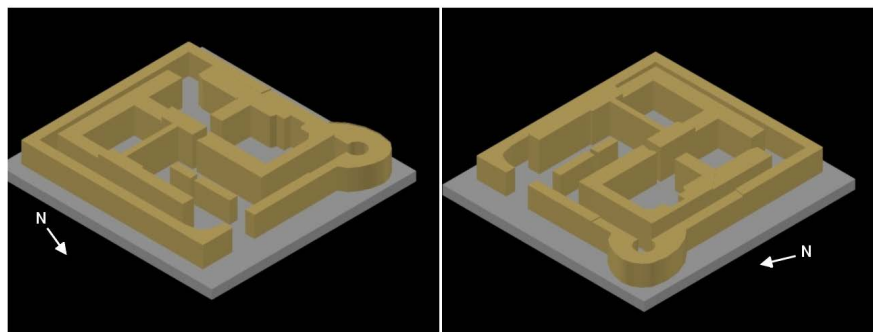


نقشه ۴. نقشه‌ی شهر اسلامی ناتل (نگارندگان، ۱۳۹۴).



نقشه ۵. نقشه‌ی ارگ ناتل و فضاهای درونی آن (مهاجری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

معرفی شده (تصویر ۱)، با ساختاری آجری و مستطیل‌شکل به ابعاد ۱۶×۱۴ متر، دارای پلکان ورودی در قسمت شمالی، رواق در چهار جهت، سه اتاق و فضای مدور و برج‌مانندی در کنج شمال غربی است. تعدد ابعاد آجرها و ساخت دیوارهای این بنا، به‌صورت صندوقه‌ای، نشان از تعجیل در آن، در اوایل ورود اسلام به این سرزمین دارد. در کارگاه‌های G، B و H، و در فاصله‌ی تقریبی ۱۰ متری از شمال عمارت حکومتی نیز بقایای سازه‌ای دیگر مشخص شد که کاربری مشخصی را نشان نمی‌دهد. این بنا ساختاری آجری مرکب از دو فضای اتاق‌مانند (به ابعاد $۳/۹ \times ۳/۹$ متر) است. پلکان ورودی این ساختمان در ضلع جنوبی آن و دقیقاً روبه‌روی پلکان عمارت حاکم‌نشین و البته کوتاه‌تر از آن است. به هر روی، عملکرد این بنا با ساختمان اصلی حاکم‌نشین مرتبط است و شاید از آن به‌عنوان فضای خدماتی استفاده می‌شد. در درون ارگ، به‌غیر از سه فضای یاد شده (دروازه، عمارت اصلی و بنای شمالی آن)، بقایای دو حوض و مسیری سنگ‌فرش نیز آشکار شد. حوض کوچک شش‌ضلعی با پوشش ساروج در بخش جنوبی محوطه‌ی ارگ و نزدیک عمارت حکومتی قرار دارد و حوض مدور بزرگی نیز در قسمت شمال شرقی ارگ، جای گرفته است (تصویر ۲). آب این دو حوض از طریق مجرایبی در عمق یک متری تأمین می‌شد. کلیه‌ی واحدهای درون ارگ به‌وسیله‌ی مسیری سنگ‌فرش به‌هم مرتبط می‌شد. دو فضای چهارگوش سنگ‌فرش دیگر نیز در درون ارگ شناسایی شد که احتمالاً تفرجگاهی آزاد با سرپناهی موقت بوده است.



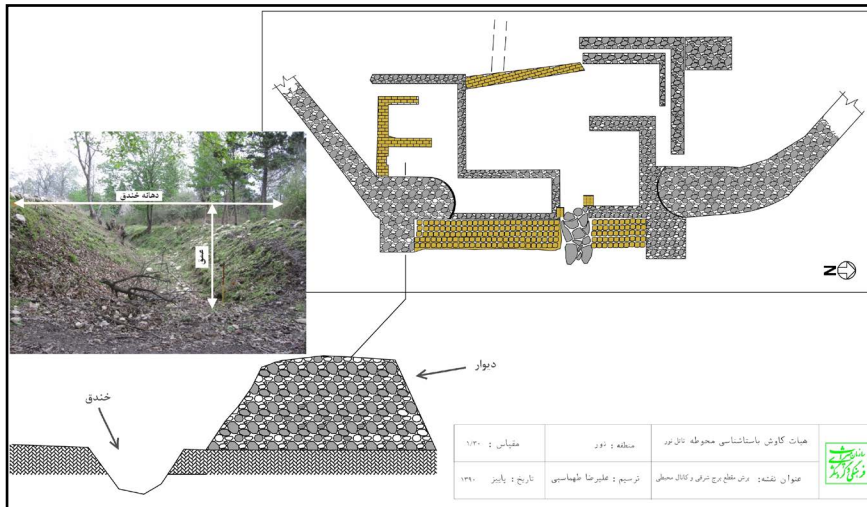
▶ تصویر ۱. پلان سه‌بعدی عمارت حکومتی ناتل (مهاجری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

۲) تأسیسات دفاعی

نتایج بررسی‌ها و کاوش‌های شهر اسلامی ناتل، نشان می‌دهد که تأسیسات دفاعی این شهر به‌واسطه‌ی دو حصار و دو خندق کامل می‌شد. یک خندق گرداگرد عمارت حکومتی یا ارگ شهر و خندق دوم پیرامون محوطه مسکونی شهر ناتل حفر شده بود و دسترسی به منطقه‌ی استقرار و بناهای مسکونی پیرامونی ارگ را دشوار می‌ساخت. دیوار پیرامونی محوطه‌ی حاکم‌نشین (ارگ) از سنگ‌های رسوبی رودخانه‌ای با ملات گچ، آهک و گل ساخته شده و بالای آن با سفال‌های بامپوش پوشانده شده بود. بقایای این دیوار و خندق اطرافش، امروزه بیش از شش متر عرض دارد. بقایای یک دروازه‌ی ورودی ارگ نیز در بخش شرقی محوطه‌ی آن و در پی کاوش در کارگاه‌های I، K، L و L شناسایی شد (نقشه ۶). وجود حداقل یک دروازه‌ی ورودی دیگر در بخش جنوب غربی حصار احتمال داده می‌شود. این حصار از شمال مجاور روستای امروزی ناتل و دقیقاً در ابتدای مرز حفاظت‌شده‌ی سازمان محیط‌زیست قرار دارد.



▲ تصویر ۲. حوض سنگ‌چین بخش شمال شرقی ارگ (عکس از سقایی، ۱۳۹۲).



نقشه ۶. پلان دروازه و برش دیوار و خندق محوطه‌ی ارگ (مهاجری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

خندق دوم، چنان‌که در نقشه (۴) دیده می‌شود، با فواصل متفاوت نسبت به خندق محدوده‌ی ارگ در بخش غربی تا جنوب‌غربی شهر را دربر گرفته است. این خندق در جنوب به دره‌ی رود شیم‌رود می‌رسد. در واقع دره‌ی شیم‌رود نیز حفاظت از بخش جنوبی تا شرقی شهر را تکمیل می‌کرده است. برجستگی دیوارمانندی از انباشت گل و خاک در پیرامون شهر دیده می‌شود که تعیین ویژگی‌های آن نیازمند کاوش باستان‌شناسی است.

۳) مناطق مسکونی

الف) منطقه‌ی درون تأسیسات دفاعی (شارستان) ناتل: با توجه به انباشت‌های آجر، قلوه سنگ و سفال‌های بامپوش که به‌صورت پراکنده، به‌ویژه در بخش جنوبی و جنوب‌غربی ارگ قابل مشاهده است، به احتمال بسیار زیاد می‌توان این محدوده را منطقه‌ی مسکونی اصلی شهر (شارستان) دانست. به‌علاوه، تردید نیست که از خشت و چوب نیز (همانند سکونتگاه‌های بومی و سنتی منطقه طبرستان) در بناهای مسکونی شهر استفاده می‌شده است. بازشناسی و خواناسازی ساختار معماری این بناها نیازمند گمانه‌زنی و کاوش است. حدود این منطقه را می‌توان از جنوب تا خندق دوم (که در بخش تأسیسات دفاعی شرح داده شد)، از شمال تا انتهای محدوده‌ی روستای امروزی ناتل و از شرق تا حریم شیم‌رود در نظر گرفت.

از جمله آثار شاخص باقی‌مانده در این منطقه، بقایای مسجد کهن^۵ (جامع) و مسجد قاجاری است؛ هم‌چنین، بقعه‌ی «شاه رضا کیا سلطان»^۶ از سده‌ی نهم هـ.ق. و بقعه‌ی «سیدعبدالله» متعلق به عصر قاجار، که همگی در شمال شرق منطقه‌ی شارستان و در مجاورت گورستانی با وسعت بالغ‌بر سه هکتار جای گرفته‌اند. در تاریخ طبرستان آمده است، «بکر بن عبدالعزیز ابی‌دلف العجلی» که در سال ۲۷۷ هـ.ق. از سوی «محمد بن زید علوی» به‌عنوان حاکم رویان انتخاب و به ناتل اعزام شده بود، در دهانه‌ی تنها پل رودخانه‌ی شیم‌رود (پل لیشام)، مسموم و در کنار شیم‌رود در شرق ناتل دفن شد (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۵۵).

ب) منطقه حومه‌ای شهر (ربض) ناتل: از آنجایی‌که شهر ناتل از جنوب به مناطق جنگلی و دامنه‌ی کوه «سوردار» محدود می‌شود، و با توجه به پوشش

گیاهی انبوه و نیز افزایش ارتفاع، گسترش منطقه‌ی حومه‌ای شهر در این بخش با محدودیت مواجه بوده است. گسترش شهر به جانب شرق و شمال محوطه‌ی فعلی امکان‌پذیر بوده است. وجود گورستان در بخش شرقی، تعدادی روستا، و تأسیساتی نظیر راه، پل و پادگان تاریخی در شمال شهر ناتل (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۷۸) مؤید توسعه‌ی منطقه‌ی حومه‌ای در این جوانب از شهر است؛ به‌علاوه، آن‌گونه که در منابع تاریخی آمده است، عموم حوادث و جنگ‌های تاریخی منطقه از صدر اسلام تا دوران صفوی در شمال و شرق این شهر روی داده است (ستوده، ۲۵۳۵: ۳۵۷؛ ظفری، ۱۳۷۹: ۳۸-۱۰۱).

گاهنگاری شهر بر اساس یافته‌های منقول

نظر به این‌که بقایای شهر باستانی ناتل در محدوده‌ای جنگلی قرار دارد، به‌دلیل انباشت نهشته‌های طبیعی جنگل، شواهد سطحی قابل توجهی به‌غیر از قطعات آجر و بامپوش و معدودی قطعات سفال در بررسی سطحی قابل مشاهده نیست. از کارگاه‌های سیزده‌گانه‌ی دو فصل کاوش و بررسی سیستماتیک در عرصه و حومه‌ی شهر، یافته‌های منقولی مشتمل بر قطعات سفالی، آجری، فلزی و سنگی، به‌دست آمد که نمونه‌هایی از آن‌ها در جدول (۲) ارائه شده است. یافته‌های سفالی ناتل را می‌توان به دو گونه‌ی سفالینه‌های بامپوش و سفالینه‌های مصرفی تقسیم کرد.

سفالینه‌های بامپوش به‌وفور در تمام کارگاه‌ها به‌دست آمد. یکی از بارزترین بقایای قابل مشاهده که مؤید وجود سازه‌ی معماری در عرصه‌ی شهر است، وجود این سفالینه‌های بامپوش است. به‌دلیل تجمع این گونه‌ی سفالی در کف و ورودی فضاها و پله‌های خاکبرداری‌شده‌ی ارگ شهر، حجم زیاد این گونه به‌دلیل آوار سقف و نوع پوشش آن بوده است. بامپوش‌ها در دو رنگ قرمز و نارنجی بوده و تعدادی نیز به‌دلیل پخت ناقص و تغییرات فیزیکی خاکستری‌رنگ هستند.

تقریباً تمام نمونه‌ی سفال‌های مصرفی، دارای پخت کافی و چرخ‌ساز هستند و آمیزه‌ی آن‌ها از شن نرم، کائولن و ماسه است. این سفالینه‌ها، از نظر تزیین به دو گروه ساده و منقوش قابل تقسیم‌اند؛ سفال‌های ساده بدون لعاب و به رنگ قرمز آجری، نخودی و خاکستری هستند. برخی از سفال‌های ساده‌ی قرمز دارای لعاب گلی رقیق هستند و بر آن‌ها تزیینات کنده و افزوده با نقوش: موجی، ناخنی، شانهای، طنابی و هاشوری، ایجاد شده است. مقداری سفالینه‌ی آشپزخانه‌ای نیز در میان سفال‌های ساده وجود دارد. به استثنای موارد معدودی سفال بدون لعاب منقوش که دارای نقوش سفید یا کرم‌رنگ از جنس لعاب گلی روی بدنه‌ی قرمز هستند (جدول ۲: سفال بدون لعاب منقوش)، مابقی سفال‌های منقوش لعاب‌دار هستند. تنوع این نمونه به اندازه‌ی است که آن‌ها را می‌توان براساس تکنیک تزیین، به دسته‌هایی نظیر: نقاشی زیر لعاب، نقش کنده‌ی زیر لعاب، لعاب پاشیده و لعاب تک‌رنگ، تقسیم کرد. نقوشی به رنگ‌های آبی لاجوردی، سبزی، سفید، کرم و قهوه‌ای در میان آن‌ها دیده می‌شود و از انواع تزیینات هندسی، گیاهی و حیوانی در آن‌ها استفاده شده است. در میان سفال‌های به‌دست آمده از منطقه‌ی ارگ حکومتی، نمونه‌هایی از سفال‌های وارداتی آبی و سفید چینی و سفال کوباچی از دوره‌ی صفوی نیز یافت شد. با اتکاء به یافته‌های سفالی مذکور، تردید نیست که این عمارت در دوره‌ی صفوی نیز کاربری داشته و مورد استفاده

جدول ۲. یافته‌های منقول حاصل از کاوش محوطه‌ی ارگ ناتل (نگارندگان، ۱۳۹۴).

ردیف	جنس یافته	موقعیت	ویژگی‌های عمومی	نمونه تصویر/ طرح	
۱	فلز	تمامی کارگاه‌ها	حدود ۲۰۰ قطعه میخ‌های فلز به طول ۵-۱۷/۵ Cm نعل و براق اسب سر پیکان		
۲	سنگ	کارگاه D کارگاه N	مهره سنگی		
۳	استخوان حیوانی	کارگاه F	بخشی از استخوان دنده با آثار صیقل و سوراخی به قطر ۳ mm		
سفال لعباندار	سفال ساده	-	- خمیره قرمز آجری - چرخساز - دارای آمیزه کانی - دارای پخت کامل		
		-	- خمیره قرمز آجری - سطح بیرونی صیقلی و دارای لعاب - گلی رقیق - نقوش سفید		
		تمامی کارگاه‌ها	- خمیره قرمز آجری - چرخساز - آمیزه کانی - ایجاد نقش روی لعاب گلی کرم روشن و پوشش با لعاب شفاف		
		تمامی کارگاه‌ها	- خمیره قرمز آجری - چرخساز - آمیزه کانی - ایجاد نقش روی لعاب گلی کرم روشن و پوشش با لعاب شفاف		
	سفال پاشیده	تمامی کارگاه‌ها	- خمیره قرمز آجری - چرخساز - آمیزه کانی - لعاب سبز، قهوه‌ای و زرد بر زمینه کرم		
		تمامی کارگاه‌ها	- خمیره قرمز آجری - چرخساز - آمیزه کانی - رنگهای لعاب: سبز، قهوه‌ای، آبی		
		تمامی کارگاه‌ها	- خمیره قرمز آجری - چرخساز - آمیزه کانی - نقش سیاه روی زمینه آبی		
		تمامی کارگاه‌ها	- خمیره نخودی و قرمز - آمیزه کانی - پوشش لعابی آبی و سبز		
		-	کارگاه N		
		B, C, D, E, F, G, H, I, J, K, L	کارگاه B, C, D, E, F, G, H, I, J, K, L	پراکنده در تمامی کارگاه‌ها	
اندود گچی منقوش	کارگاه B کارگاه J	شش قطعه			

بوده است.

یافته‌های سفالی منطقه مرکزی شهر کهن ناتل را در دو دوره‌ی زمانی قبل از اسلام و پس از اسلام، می‌توان تفکیک کرد. سفال‌های قبل از اسلام مربوط به دوران اشکانی و ساسانی است. این سفال‌ها بیشتر در گمانه‌ی A و فضای پیرامونی عمارت ارگ و زیر نهشته‌های سیلابی و سنگ‌های گراور و معدودی نیز در گمانه‌های ارگ به‌دست آمد. احتمال جابه‌جایی نمونه‌ی سفال‌های قبل از اسلام از مناطق پیرامونی به‌وسیله‌ی سیلاب وجود دارد. در میان این سفال‌ها نقوش داغ‌دار دیده می‌شود. اکثر سفال‌های یافت شده از کاوش ارگ ناتل، مربوط به اوایل دوره‌ی اسلامی و مخصوصاً سده‌ی سوم و چهارم هـ.ق. است. تعدادی سفالینه‌ی فیروزه‌ای دوره‌ی ایلخانی و تعداد بسیار ناچیزی از انواع سفال دوره‌ی تیموری و صفوی نیز در چاله‌زباله‌ی ارگ به‌دست آمد. سفال‌های سده‌های سوم و چهارم هـ.ق. ناتل، قابل مقایسه با آثار سفالی برج «رسکت» سوادکوه، نوع امل و نمونه‌های متعلق به محوطه‌های صدر اسلام شهر اسلامی کلار (کریمیان و سقایی، ۱۳۹۲: ۶۹-۸۷) است.

نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر، تلاش شد تا با اتکاء به شواهد باستان‌شناسی و متون تاریخی، فرم، الگوی استقرار و دوران حیات شهر باستانی ناتل مشخص شود. یکی از پرسش‌های پژوهش آن بود که سازمان فضایی شهر اسلامی ناتل چگونه بوده و چیدمان محله‌های آن از چه الگویی تبعیت می‌کرده است(؟). مطالعات باستان‌شناسی نگارندگان در بقایای شهر کهن ناتل، نشان می‌دهد که این شهر دارای پلان هشت‌ضلعی نامنظم بوده است. شاید بتوان این نوع پلان را با تهدید فرمانروایان شیعی شمال ایران از جانب خلفای عباسی مرتبط ساخت؛ به‌عبارت دیگر، بین ضرورت دفاع از شهر و انتخاب این‌گونه پلان، رابطه‌ای برقرار بوده است. تحکیم تأسیسات دفاعی شهر به‌واسطه‌ی خندق‌های مملو از آب و به‌ویژه حفر خندقی مضاعف بر پیرامون قلعه‌ی حکومتی شهر نیز می‌تواند شاهده‌ی بر این مدعا به حساب آید. باوجود تفاوت پلان این شهر با شهرهای فلات مرکزی ایران، سازمان فضایی آن، با چیدمانی مشابه سایر شهرهای کشور، دارای سه منطقه (ارگ، شهرستان و ریض) بوده است. مناطق سه‌گانه‌ی شهر، به‌وسیله‌ی دیوار و خندق از هم تفکیک شده و ساکنان آن‌ها تنها از طریق دروازه‌ها به‌هم مرتبط می‌شدند. وضع موجود با اطلاعات مندرج در منابع مکتوب و متون تاریخی درباره‌ی این شهر انطباق فراوان دارد. پرسش دیگر، درباره‌ی مدت زمان آبادی شهر اسلامی ناتل و دلایل از بین رفتن استقرار آن بوده است(؟). گاهنگاری نسبی یافته‌های سفالی پراکنده در عرصه و نمونه‌های حاصل از کاوش ارگ، روشن ساخت که این شهر از سده‌های نخستین دوره‌ی اسلامی تا عصر صفوی حیات داشته است. این یافته‌ها، هم‌چنین معلوم داشتند که شهر مورد مطالعه در سده‌های نخستین اسلامی، کاملاً رونق داشته است. تراکم اندک سفال‌های دوره‌ی ایلخانی تا تیموری می‌تواند مؤید آن باشد که بعد از استیلای مغولان بر این سرزمین، به‌تدریج از اهمیت شهر ناتل کاسته شده است؛ اگرچه در آغاز حکومت صفویان فرمانروایی ناتل، نور و کجور بر عهده‌ی پادوسبانیان^۷ بود، با انحلال حاکمیت پادوسبانیان توسط شاه عباس اول (در سال ۱۰۰۶ هـ.ق.) اعتبار و شهرت ناتل نیز از بین رفت تا آن‌که حیات شهری آن نیز به پایان رسید.

پی‌نوشت

۱. محوطه‌ی واتاشان در ۴۰۰ متری جاده‌ی نور به چمستان و در جنوب روستای نصرت‌آباد قرار دارد (ستوده، ۲۵۲۵: ۳۵۸) (ن. ک. به: نقشه ۱).
۲. فصل سوم کاوش‌های شهر اسلامی ناتل به سرپرستی عبدالرضا مهاجری‌نژاد و در ادامه‌ی دو فصل قبل، در پاییز ۱۳۹۵ انجام شد.
۳. این بررسی‌ها در قالب رساله‌ی دکتری سارا سقایی، تحت راهنمایی حسن کریمیان انجام شد (ر. ک. به: سقایی، ۱۳۹۳).
۴. برای اطلاعات بیشتر درخصوص این شهر دوران اسلامی ر. ک. به: کریمیان و سقایی، ۱۳۹۲؛ سقایی، و کریمیان، ۱۳۹۲.
۵. بنای مسجد کهن (جامع) ناتل، مستطیلی (۹/۶۰×۲۳ متر) و قطر دیوار آن ۸۰ سانتی‌متر بوده است (ستوده، ۲۵۲۵: ۳۵۶) و مسجد فعلی در دوره‌ی قاجار بر باقی‌مانده یک-سوم از دیوار شمالی و اندکی از دیوار شرقی آن افزوده شده است. بنای اولیه‌ی مسجد را به والیان منصوب خلیفه‌ی عباسی در ناتل (سده‌ی دوم هـ.ق.) نسبت می‌دهند (ظفری، ۱۳۷۹: ۹۵)؛ البته، مطالعات دقیق و گاهنگاری آن منوط به مطالعات باستان‌شناختی و کاوش‌های پیگردی در آینده خواهد بود.
۶. «شاه‌رضا کیا سلطان» از سوی مرعشیان در سده‌ی هشتم هـ.ق. برای حکومت ناتل انتخاب شده بود. به احتمال این بنا در سده‌ی نهم هـ.ق. و زمان حکومت «ملک کیومرث بن بیستون» (۸۰۷-۸۵۷ هـ.ق.) از حکام پادوسبان ساخته شده است. وی پس از گرایش به تشیع دستور ساخت آرامگاه‌های مناسبی برای سادات و بزرگان مذهبی داده بود (ظفری، ۱۳۷۹: ۵۶ و ۹۱).
۷. «پادوسبانیان» که به «آل پادوسپان» شهرت دارند، سلسله‌ای از فرمانروایان طبرستان بودند که به‌وسیله‌ی پادوسبان، پسر «گاویاره» در سال ۲۲ هـ.ق. تأسیس و تا ۱۰۰۶ هـ.ق. بر ناتل، رویان و اطراف آن حکومت کردند.

کتابنامه

- ابن اسفندیار کاتب، بهاء‌الدین محمد بن حسن، ۱۳۲۰، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال، جلد اول، بی‌جا: چاپخانه مجلس.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، ۱۳۴۵، *صوره‌الارض*، ترجمه: جعفر شعار، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر، ۱۳۶۵، *الاعلاق‌النقیسه*: ترجمه: حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق، ۱۳۴۹، *البلدان*، ترجمه: ح. مسعود، طهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، ۱۳۴۹، *تقویم البلدان*، ترجمه: عبدالحمید آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، ۱۳۷۳، *ممالک و مسالک*، ترجمه: محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش: ایرج افشار، بی‌جا: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- آملی، مولانا اولیاءالله، ۱۳۴۸، *تاریخ رویان*، تصحیح: منوچهر ستوده، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- بغدادی، عبدالمؤمن بن عبدالحق، ۱۹۵۴، *مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع (و هو مختصر معجم البلدان لیاقوت)*، تحقیق: علی محمد البجاوی، ثلاث جزوات، بی‌جا: دار احیا الکتب العربیه، عیسی البابلی الحلبی و شرکاه.
- بینایی، قوام‌الدین، ۱۳۷۲، «آبادی‌های تاریخی از یاد رفته»، *بازخوانی تاریخ مازندران*، به کوشش: اسدالله عمادی، ساری: فرهنگ‌خانه مازندران، صص: ۹۶-۸۳.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، ۱۳۶۸، *اشکال العالم*، ترجمه: علی بن عبدالسلام کاتب، مقدمه: فیروز منصوری، بی‌جا: شرکت به‌نشر، انتشارات آستان قدس رضوی.
- *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ۱۳۷۲، ترجمه: میرحسین شاه، تهران:

دانشگاه الزهرا.

- حموی بغدادی، یاقوت، ۱۳۸۳، *معجم البلدان*، ترجمه: علینقی منزوی، جلد دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- دمشقی، شمس‌الدین، ۱۲۸۱، *نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر*، سن پترزبورگ: بی‌نا.

- رابینو، هل، ۱۳۸۳، *مازندران و استرآباد*، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.

- ستوده، منوچهر، ۲۵۳۵، *از آستارا تا استرآباد*، ۱۰ مجلد، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.

- سقایی، سارا و کریمیان، حسن، ۱۳۹۲، «بررسی شهر اسلامی کلار (محوطه شهر دله)، مازندران» مجموعه مقالات دوازدهمین گرد هم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، صص: ۲۷۷-۲۸۱.

- سقایی، سارا، ۱۳۹۳، «شهرهای مازندران در گذار از دوره ساسانی به اسلامی با اتکاء به یافته‌های باستان‌شناختی»، رساله‌ی دکتری رشته باستان‌شناسی با گرایش دوره اسلامی، دانشگاه تهران، به راهنمایی: حسن کریمیان (منتشر نشده).

- ظفری، داود، ۱۳۷۹، *تاریخ ناتل* (نگاهی به وقایع هزاره‌ی اول هجری جلگه‌ی نور)، محمودآباد: مؤلف.

- کریمیان، حسن و سقایی، سارا، ۱۳۹۲، «مکان‌یابی، تعیین فرم و سازمان فضایی شهر کلار در سده‌های نخستین اسلامی براساس شواهد باستان‌شناختی»، مجله‌ی علمی-پژوهشی *مطالعات باستان‌شناختی*، تهران: دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۱، صص: ۶۹-۸۷.

- کریمیان، حسن، ۱۳۷۹، «اسکل دچی سبک هزاران ساله معماری شمال ایران»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، جلد سوم، صص: ۴۳۸-۴۵۸.

- لاهجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین، ۱۳۵۲، *تاریخ خانگی*: شامل حوادث چهل ساله گیلان از ۸۱۰ تا ۹۲۰ قمری، تصحیح: منوچهر ستوده، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.

- مرعشی، سید ظهیرالدین، ۱۳۴۷، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، تصحیح: منوچهر ستوده، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.

- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه: علینقی منزوی، چاپ اول، ۲ مجلد، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

- مهاجری‌نژاد، عبدالرضا، ۱۳۸۷، «گزارش اولین فصل کاوش باستان‌شناسی شهر تاریخی ناتل نور»، آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان مازندران (منتشر نشده).

- مهاجری‌نژاد، عبدالرضا، ۱۳۹۰، «گزارش دومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی ناتل نور»، آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان مازندران (منتشر نشده).

- یوسفی، صفر، ۱۳۸۵، «جغرافیای تاریخی ناتل شهری فراموش شده»، مجموعه مقالات در گستره *مازندران*، دفتر پنجم، به کوشش: زین‌العابدین درگاهی و محسن

علی‌نژاد قمی، تهران: نشر رسانش، صص: ۹۸-۹۰.